

خبر

رمزگشایی یک تحلیلگر اقتصادی از روند بازارهای مالی

قیمت دلار در ۶۵ روز آینده چه خواهد شد؟



بازار ارز و طلا در روزهای اخیر بار دیگر وارد محدوده‌های حساس شده و همزمان با افزایش نااطمینانی‌های اقتصادی و سیاسی، نگاه‌ها به ادامه مسیر قیمت‌ها دوخته شده است. در این میان، پرسش اصلی این است که آیا موج صعودی فعلی ادامه‌دار خواهد بود یا بازارها در آستانه یک اصلاح جدی قرار گرفته‌اند؟

به گزارش اقتصاد نیوز، بازارهای مالی در روزهای اخیر در شرایطی متفاوت از گذشته حرکت کردند، دلار در برخی از روزهای گذشته در قله‌های تاریخی معامله شد و طلا و سکه نیز تحت تأثیر همزمان نرخ ارز و قیمت جهانی نفت، رشد صعودی را تجربه کردند. در این میان، فضای اقتصادی کشور همچنان از نااطمینانی‌های سیاسی و افزایش انتظارات تورمی تأثیر می‌پذیرد. در چنین شرایطی، تشخیص میزان تأثیرگذاری عوامل بنیادین اقتصادی در مقایسه با انتظارات و رفتارهای هیجانی بر رشد قیمت‌ها، اهمیت بیشتری یافته است.

در سوی دیگر، تداوم فشارهای اقتصادی و تحریم، چشم‌انداز درآمدهای ارزی و مسیر سیاست‌گذاری اقتصادی، پرسش‌های تازه‌ای دربارۀ آینده بازارهای دارایی مطرح کرده است. آیا دلار همچنان ظرفیت رشد دارد؟ طلا و سکه در سطوح فعلی با خطر اصلاح مواجه‌اند یا همچنان امکان ثبت رکوردهای جدید را دارند؟ در این میان، بازارهای سهام و سکه‌نچ به مسیری را طی خواهند کرد و آیا سرمایه‌گذاران می‌توانند از بازارهای موازی به سمت بورس بگردند؟

پیمان مولوی، اقتصاددان و تحلیلگر بازارهای مالی، در گفت‌وگو با «اقتصادنیوز» دربارۀ نوسانات اخیر قیمت طلا، دلار و سکه و همچنین تأثیر تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم آمریکا و حملات نظامی اخیر، اظهار کرد: «مهم‌ترین عاملی که ما به عنوان فعالان حوزه مدیریت ثروت به آن دقت می‌کنیم، نرخ بهره حقیقی است. نرخ بهره حقیقی در اقتصاد ایران به بالاترین عدد خود در ۴۰ سال خود گذشت، یعنی تقریباً به بالاترین رقم در طول دوران مورد بررسی، رسیده و اکنون به بیش از منفی ۳ درصد رسیده است.»

او افزود: «وقتی نرخ بهره حقیقی در اقتصاد ایران منفی ۳ درصد می‌شود و بانک مرکزی به سیاست‌گذاری پولی تاکم است، می‌تواند به هر دلیلی نرخ بهره را افزایش دهد و از این‌ابزار سیاست پولی استفاده نمی‌کند، تمام بازارهای موازی، اعم از دلار، مسکه، بورس، بیش از تورم رشد خواهند کرد. این موضوع برای ما روشن است.»

مولوی کرد: «بنابراین در ۶۵ روز آینده، بازارهای موازی بیش از نرخ تورم حرکت خواهند کرد.»

او پاسخ به این پرسش که در صورت تداوم تشدید نظامی چه ساریوهی برای نرخ ارز و طلای داخلی می‌توان در نظر گرفت، گفت: «تمامی بازارهای موازی، اعم از طلا، دلار، ملک و بازار سهام، بیش از تورم رشد خواهند کرد.»

یعنی با توجه به تورم نقطه‌ای امروز، در یک سالی آینده بیش از ۸۰ درصد رشد خواهیم کرد.»

مولوی در پاسخ به این پرسش که با توجه به عبور قیمت دلار از مرز ۳۲۰ هزار تومان، آیا این نرخ همچنان پتانسیل رشد دارد یا خیر، اظهار کرد: «در دلار هنوز به میانگین ۲۵۰ هزار تومان در پایان سال نزدیک نشده است. با توجه به تورم ۸۰ درصدی، ما روی عدد ۲۵۰ هزار تومان حساب کرده بودیم.»

او دربارۀ چشم‌انداز قیمت طلا نیز گفت: «در مورد طلا، نوسان جهانی در نظر نگرفته. نرخ دلار صرفاً یک عدد ریالی برای آن در نظر گرفت. انس جهانی را جداگانه محاسبه می‌کنیم و این موضوع از نیز جداگانه بررسی می‌کنیم.»

این اقتصاددان در پاسخ به این پرسش که آیا در شرایط فعلی زمان ریاضد به بازارهاست، گفت: «همیشه در اقتصادهایی که نرخ بهره حقیقی منفی است، باید تمام بازارهای موازی را به صورت روزانه با هفتگی خریداری کرد.»

چشم پوشی از قاچاق، فشار بر مردم

پشت پرده کسری بنزین چیست؟

همزمان با افزایش قیمت بنزین و اظهارات مسئولان درباره میزان کسری بنزین، پرسش‌های جدی درباره سهم خوردهای پرمصرف، قاچاق سازمان یافته و ضعف سیاست گذاری انرژی مطرح است. سؤالاتی که پاسخ به آنها نشان می‌دهد، بنزین ۱۰ هزار تومان، آدرس اشتباه دولت برای حل بحران سوخت است.



تجربه شوک‌های قیمتی؛ سیاست به فایده

مرور تجربه تاریخی اصلاح قیمت سوخت در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که شوک‌های قیمتی هرگز نتوانستند اتارازی انرژی را به صورت ریشه‌ای حل کنند. پس از اجرای طرح سهمیه‌بندی در سال ۱۳۱۶، هجدهمین جهش‌های قیمتی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۸، مصرف بنزین تنها برای یک دوره کوتاه‌مدت چند ماهه با کاهش یافت و متوجه شد که با محض مستهلک شدن شوک اولیه و رشد تورم عمومی، نمودار مصرف دوباره به مسیر صعودی خود بازگشت.

[illegible]

ضرورت تغییر ریل در حکمرانی انرژی

[illegible]

نیز به ۵۵ میلیارد سهم رسیده و ارزش معاملات بازار ۳۱۰ میلیارد تومان ثبت شده است.

قدرت تقاضا همچنان بیشتر از عرضه است

بروز، سرانه خرید ۹۲ میلیون تومان و سرانه فروش بوده و قدرت خرید در حال حاضر منفی ۱.۰۶ گزارش

ارزش سفارش های خرید به ۲۲ هزار و ۳۹۱ میلیارد و

رسیده، در حالی که ارزش سفارش های فروش تنها

۳۱ میلیون تومان بوده است. این اختلاف قابل توجه

که با وجود افزایش عرضه نسبت به فاقی ابتدایی،

بر بازار همچنان بسیار قدرتمندتر از عرضه است.

حاضر ۳۵۸ صف خرید در برابر تنها ۱۸ صف

است.

قاجاق سازمان یافته و معمای «جاده ملا»

از دیگر محورهایی که همواره برای توجیه گران‌ساز، سوخت مطرح می‌شود، مسئله قاچاق عظیم فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه به دلیل تفاوت فاحش قیمتی است. اگرچه ازاین بابت دین بنزین و گازوئیل نیز به کشورهای قاچاق را تقویت می‌کند، اما حجم روزانه‌های سوختی که از مرز خارج می‌شود، با حجم قاچاق‌های سوختی که از بازارهای مالی گران‌ساز به کشورهای همسایه می‌رود، قابل مقایسه نیست. اما برای بررسی و گزارش‌های متعدد رسانه‌ای در این باره، قاقاز روزانه ده‌ها میلیون لیتر سوخت خیر می‌دهند. سوال اساسی اینجاست که چطور میلیون‌ها لیتر فرآورده‌های نفتی به کشورهای همسایه، مانند ایران، سوختگر کشتی‌های پیچیده منتقل می‌شوند، اما راهکار کار مسئله به جای برخورد قاطع با کارتل‌ها و باندهای بزرگ و تغییر نرخ سوخت‌گیری مردم در جایگاه‌ها نیست و چون روش‌های ماندن پرورنده‌های افشا شده در برابر سیرها و خطوط انتقالی پرورنده‌های سوخت در برابر افکار عمومی به پرورنده‌هایی، چون «جاده ملا» معروف (دندان) نشان می‌دهند که شبک قاچاق سوخت نیزانمند (زورج و سستاری، نظارت‌های سازمان یافته، است. زمانی که این شریان‌های غیرقانونی مسدود نشوند، حتی در صورت افزایش قیمت بنزین، سودجویان راه‌های نوینی برای کسب درآمدهای ناشروع از مابه‌التفاوت قیمتی روانه‌ای است.

نـبـعـات مـعـیـشـتی گـران سـازی در شـرایط نـاپـایداری
اقتصادی

تکیه بر سیاست‌های قیمتی در حوزه سوخت، آن‌ها به شرایطی که اقتضای مبارزات فشارهای تورمی فراتر از درجه یک کشور، کم‌ابزار و معیشتی عده‌ای را در یک‌جا می‌گرداند به همراه دارد. شوک‌های قیمتی، سوخت به‌سرعت خود را در قالب افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، قیمت مواد غذایی و خدمات نشان می‌دهند. تغییر قیمت سوخت بدون پاسخگویی به این اभावات ساختاری، بیش از آنکه باعث اصلاح الگوی مصرف شود، موجب تحلیل رفتن قدرت خرید اقشار آسیب‌پذیر می‌شود. سیاست‌گذار نباید ترازوی ناشی از کارایی پایین را، سیاست عدم شفافیت در شبکه توزیع و برص‌رسانی دوروها را به عنوان بستر جامعه هدف کند.

تناقض، اعداد؛ بنزین تولیدی کجا می‌رسوزد؟

[illegible]

ولان پیوسته بر نرخ بالای مصرف روزانه

می‌کنند. گزارش‌های جدید نشان می‌دهد فاصله سیلیون لیونرت از تولید و مصرف، بار مالی سنگینی بر اقتصاد ایران تحمیل کرده است. مصرف‌کنندگان ایرانی (و شاید مصرف‌کنندگان سایر کشورهای در حال توسعه) باید برای خرید یک لیونرت از یک تولیدکننده خارجی، به اندازه یک لیونرت از یک تولیدکننده داخلی هزینه بیشتری بپردازند. این امر به نفع تولیدکنندگان داخلی و به ضرر مصرف‌کنندگان داخلی است. این امر به نفع تولیدکنندگان خارجی و به ضرر مصرف‌کنندگان خارجی است. این امر به نفع تولیدکنندگان خارجی و به ضرر مصرف‌کنندگان خارجی است.

برخی‌های منطقه‌ای و مغالطه مقایسه دلاری

یکی از استدلال‌های همیشگی مدافعان گران‌سازاری، سوخت، مقایسه قیمت بنزین در ایران با کشورهای همسایه و خاورمیانه است. نگاهی به آمارهای جهانی نشان می‌دهد که نرخ بنزین در کشورهای خلیج فارس و منطقه پارس ۵ تا ۱۰ دلار به ازای هر لیتر متغیر است و ایران در کنار ونزوئلا یکی از ارزان‌ترین سوخت‌های دنیا محسوب می‌شود. اما طرح این مقایسه بدون در نظر گرفتن اثرات جانبی و قدرت خرید واقعی مردم، یک مغالطه آشکار اقتصادی است.

در کشورهای مانند امارات، عربستان یا قطر، به‌دافتل دستمزد ماهانه حوالی سه دلار است، در حالی که حداقل حقوق یک کارگر با کارمند با ایران با نرخ‌های فعلی ارز، فاصله چشمگیری با استانداردهای منطقه‌ای دارد. در واقع، نسبت هزینه موقت به درآمد خانوار در ایران بر اساس تورم معمول دلاری در ساختار ریالی، بدون ترمیم قدرت خرید و جبران تورم، فشار مضاعفی بر دهک‌های پایین‌تر و میان‌پایین می‌کند و به‌اشغال اصلاح الگوی مصرف، مردم را واکوچتر تر خواهد کرد.

رکوردشکنی تاریخی بورس

قدرت تقاضا همچنان بیشتر از عرضه است

ورس با رشد ۲.۴۱ درصدی به ۷ میلیون و ۷۳ هزار و ۶۳۹ نفر. شاخص کل هم وزن نیز با افزایش ۳۳ هزار و ۹۲ واحد رشد کرده و به یک میلیون و ۹۳۶ هزار و ۹۲ واحد

مادنیوز، معاملات بورس ایران در روز سه شنبه ۷ ادامه روند صعودی بازار دنبال شد و شاخص کل در این روز ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد افزایش یافت. در حالی که در روزهای گذشته معاملات تحت تاثیر اخبار اقتصادی و سیاسی بوده و با افزایش نسبی عرضه ها، بخشی از روند صعودی را تجربه کرده بود. اما با وجود این، شاخص کل همچنان با رشدی قابل توجهی همراه بوده و در روز سه شنبه ۷ به بیش از ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد افزایش یافته بود. در حالی که در روزهای گذشته معاملات تحت تاثیر اخبار اقتصادی و سیاسی بوده و با افزایش نسبی عرضه ها، بخشی از روند صعودی را تجربه کرده بود. اما با وجود این، شاخص کل همچنان با رشدی قابل توجهی همراه بوده و در روز سه شنبه ۷ به بیش از ۷ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد افزایش یافته بود.

س کل بورس وارد کانال ۷ میلیون واحد شد

رس در ساعت ۱۰:۱۰ صبح با رشد ۲.۴۱ درصدی به ۷۹۵ واحد رسید. این افزایش در حالی رقم خورد

عمر کوتاه وعده وزیر نیرو درباره عدم قطعی برق

اعتبار وعده‌ها به ۲۴ ساعت هم نمی‌رسد!

همگی از انرژی تولیدی، اساساً به دست مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد. طبق آمارهای رسمی موجود، میزان تلفات در شبکه نقل و انتقال و توزیع برق کشور رقمی حدود ۱۲ تا ۱۴ درصد است. فرسودگی خطوط انتقال، قدیمی بودن ترانسفورماتورها و عدم نوسازی شبکه طی سال‌های متعادل باعث شده است سالانه معادل تولید برق نیروگاه بزرگ، صرفاً در مسیر انتقال حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ مگاوات انرژی تلف شود. در حالی که اندک‌اندک نیازهای مردم در دنیا به روز آید، حدود ۵ درصد می‌تواند به راحتی کشور با رانندگی پایین (حدود ۳۷ تا ۳۹ درصد) فعالیت می‌کند. در حالی که اندک‌اندک نیازهای مردم در دنیا به روز آید، حدود ۵ درصد می‌تواند به راحتی کشور با رانندگی پایین (حدود ۳۷ تا ۳۹ درصد) فعالیت می‌کند.

تغییر واژگان به جای اصلاح ساختار؛ «مدیریت بار» یا همان خاموشی؟

در ادبیات چند ماه اخیر مسئولان وزارت نیرو، تغییری محسوس در باره گریز «کم» ز داده است. عباراتی نظیر «جدول احتمالی»، «مدیریت بار» و «محدودیت فنی» جایگزین کلمه صریح «خاموشی» شده‌اند تا شاید از بار روانی و اثرات مدیریتی آن کاسته شود. اما سوال اساسی اینجاست که تغییر ساختار واکران در گرایش‌های ادارتی چه دردی از فحالی‌ها و شهروند دوا می‌کند؟

برای صاحب برق کارگاه تولیدی که دستگاه‌های صنعتی خاصش ریز فشار قطع و وصل ناگهانی برق دچار خسارت‌های سنگین می‌شود، خاموشی توأمی است. تولیدکننده‌ای که محصولاتی‌اش به دلیل قطع برق فاسد می‌شوند، عبارت «مدیریت بار» دقیقاً همان خاموشی و زیان اقتصادی است. وزارت نیرو مسئولیت اصلی خود در تأمین پایداری انرژی را به پشت‌پنجاه پنهان می‌کند، در حالی که هزینه این عدم تصمیم‌آزمایی از جیب بخش خصوصی و افسار هراس مردم برداشت می‌شود.

اقتصاد دستوری و بدهی سنگینی که چرخ توسعه نیروگاه‌ها را متوقف کرد

ریشه اصلی عدم توسعه ظرفیت‌های جدید نیروگاهی در کشور را باید در اقتصاد معیوب و تکلیفی صنعت برق جست‌وجو کرد. بر اساس گزارش‌های اتاق بازرگانی و تشکل‌های بخش خصوصی، وزارت نیرو و شرکت‌های تابعه دهه‌ها نرخ میلیراد تومان به نیروگاه‌های خصوصی و پیمانکاران این صنعت پرداخته‌اند. وقتی نرخ خرید تضمینی برق از بخش خصوصی متناسب با تورم و جهش هزینه‌های اصلاح نمی‌شود.

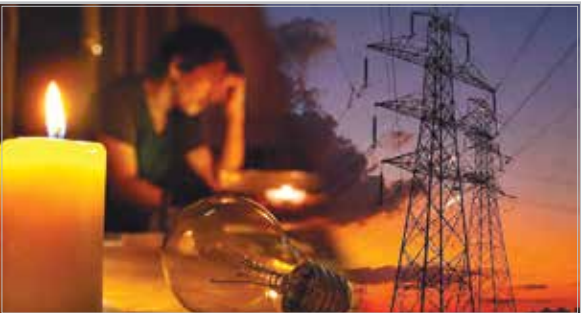
وزارت نیرو می‌گوید خاموشی برنامه‌ریزی شده نداریم، اما برق همچنان بدون اطلاع قبلی قطع می‌شود؛ فاصله میان وعده‌های رسمی و واقعیت زندگی مردم حالا به اندازه‌ای رسیده که حتی نمی‌توان برای ۲۴ ساعت آینده روی برنامه‌های این وزارتخانه حساب کرد.

به گزارش اقتصاد۲۴، اظهارات اخیر مسئولان ارشد وزارت نیرو و تناقض‌های آشکار میان سخنان وزیر نیرو و مدیران ارشد صنعت برق، بار دیگر معضل قطعی‌های برق را به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصادی و مدیریتی کشور تبدیل کرده است. در حالی که پیگیری نیرو گفته بود «دیگر قطعی برق برنامه‌ریزی نشده نداریم» و شهروندان را برای پیکربندی قطعی‌های احتمالی به سامانه ۱۱۲ ارجاع داد، در کمتر از ۲۴ ساعت ددمدگم که قطعی‌های برق طبق روال و به صورت پیش از آن اعلام دارد.

این ماجرا و بی‌اعتباری سخنان و برنامه‌های اعلامی مسئولان حوزه انرژی، دیگر یک موضوع ساده در حوزه رفاه خانوار نیست؛ بلکه به آسیب مستقیمی بر پیشرانه تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال کشور تبدیل شده است. فعال اقتصادی بر کارآفرینی که قصد دارد بر اساس وعده‌ها و برنامه‌ریزی‌های وزارت نیرو، کیفیت‌های کاری را تنظیم کرده، تیراژ تولید را بالا ببرد و نیاز بازار را تأمین کند، ناگهان با قطعی ناگهانی برق و تعطیلی اجباری خط تولید مواجه می‌شود. این عدم قطعیت و تصمیمات اشتباه خلق‌الساعه باعث شده برق حتی برای ۲۴ ساعت آینده نیز نتوان بر روی سخنان یا مسئولان ارض شده‌ها بر حسب حساب باز کرد، هر چند به برنامه‌ریزی‌های بلندمدت دو یا چندساله‌ای توسعه کارآفرینی.

ناترازی ۲۰ هزار مگاواتی و فرسودگی شبکه‌ای

پشت پرده فعلی‌های مدام، بحران عمیق ترازوی میان تولید و تقاضای برق قرار دارد. گزارش‌های کارشناسی و داده‌های تحلیلی نشان می‌دهند که شکاف می‌توان تولید عملی نیروگاه‌ها و اوج تقاضای مصرف در کشور به رقمی پیرامون ۱۸ تا ۲۰ هزار مگاوات رسیده است. مسئولان صنعت برق پیوسته این ترازوی نامتعادل را به «مصرف بیشه خانوارها» نسبت می‌دهند. اما ناگهی به داده‌های ساختاری نشان می‌دهد که برخی



شبکه فرسوده شود.

از مردم و بخش مولد کشور نمی‌توان انتظار داشت که برندی از سال‌های طولانی جای
بخالی برنامهریزی و سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی را بر کند. اگر قرار است مدیریت
بخشی صرفاً به خاموش کردن خطوط برق صنایع و بخش خانگی محدود شود، پس
نقش برنامهریزی کلان و مدیریت اجرایی در این وزارتخانه چیست؟

ضرورت شفافیت واقعی؛ پایان اعتماددramای در صنعت برق

ادامه این وضعیت و بی‌اعتباری وعده‌های رسمی، ضربه جبران‌ناپذیری به امنیت
سرمایه‌گذاری در کشور وارد می‌کند. وزارت نیرو باید به جای استفاده از ادبیات
میهم، تکرارهای بی‌پایان و ارائه وعده‌های غیرواقع‌گرایانه، رویه شفافی را پیش بگیرد.
اگر نتوانی وجود دارد و امکان تأمین کامل برق میسر نیست، حداقل باید با جاولان
واقع و واقعی و غیرواقع‌گرایانه خاموشی اعلام شود تا بخش تولید و بخش توان‌دین
اساس آن برنامه ریزی تغییر بخود را تنظیم کند. صنعت برق کشور بیش از آنکه
به وعده‌هایی با عمر کوتاه و تغییر فراوان احتیاج داشته باشد، نیازمند واقعی‌سازی
فرآیندهای برق، نوسازی شبکه توزیع و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران برای خروج از بحران
خاموشی است.